

فرایند جهانی شدن و تأثیر آن بر درآمدهای مالیاتی در ایران

مهدی تقی سلطانی

کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز

mehdi.taghisoltani@gmail.com

جواد پور غفار دستجردی

کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

pourghaffar@gmail.com

در آمدهای مالیاتی در اقتصاد بسیاری از کشورهای جهان یکی از مهم‌ترین منابع تأمین مالی دولت‌ها و به عنوان ارزای مؤثر جهت سیاستگذاری‌های مالی محسوب می‌شوند. مقایسه این منبع به عنوان عمده‌ترین و باثبات‌ترین منابع درآمدی دولت حاکی از این است که هرچه سهم مالیات‌ها در تأمین مخارج دولت پیشتر باشد از ایجاد آثار ناصلوب اقتصادی به میزان چشمگیری جلوگیری می‌شود. با در نظر گرفتن اهمیت بالای مالیات و این حقیقت که اقتصاد کوئنی کشورها در مسیر جهانی شدن گام برمی‌دارند و در نتیجه، این جهانی شدن همراه خود آثار مثبت و منفی خواهد داشت، لذا در مقاله حاضر تلاش می‌کیم با استفاده از یک مدل لگاریتمی، درآمدهای مالیاتی و تأثیر شاخص جهانی شدن بهمراه برخی متغیرهای کلان اقتصادی را با استفاده از مدل خود توضیح بداری با وقفه‌های گستردۀ برای بازه زمانی (۱۳۸۵-۱۳۵۲) مورد بررسی قرار می‌دهیم و ضرایب بلندمدت و همچنین همجمعی بین متغیرها را با کمک الگوی تصحیح خط ارزیابی کیم که نتایج بدست آمده یانگر وجود یک رابطه مثبت می‌باشد. با توجه به حساسیت موضوع و نقش عظیم درآمدهای مالیاتی در اقتصاد ایران تأثیر این متغیر را با میزان خروج سرمایه بطور جداگانه از طریق مدل‌های ARDL و ECM تخمین و موردن تجزیه و تحلیل پیشتر قرار می‌دهیم. نتایج حاصل در این بخش نیز نشان‌دهنده وجود یک رابطه مثبت بین درآمدهای مالیاتی و خروج سرمایه می‌باشد.

.C87 E22 K34 :JEL طبقه بندي

واژه‌های کلیدی: درآمدهای مالیاتی، شاخص جهانی شدن، فرار سرمایه، امنیت سرمایه‌گذاری و الگوی تصحیح خطأ.

۱. مقدمه

تعاریف مختلفی از جهانی شدن وجود دارد که می‌توان به تعدادی از آنها اشاره نمود. برخی این پدیده را بصورت افزایش ادغام بین‌المللی بازارهای ملی شامل بازار کالا، خدمات، سرمایه و نیروی کار تعریف می‌کنند (فرانکل، ۲۰۰۶). جهانی شدن به وضعیت اشاره دارد که در آن وضعیت رابطه تجاری بین کشورها و جریان سرمایه بین‌المللی بشدت گسترش یافته و بسیاری از هزینه‌ها کاهش می‌یابد.

جهانی شدن را می‌توان فرایندی در نظر گرفت که در آن مرزهای اقتصادی میان کشورها هر روز کمزنگ می‌شود و تحرک روزافزون منابع، تکنولوژی، کالا و خدمات، سرمایه و حتی نیروی انسانی در ماورای مرزها به آسانی صورت می‌گیرد و در نتیجه به افزایش تولید و مصرف در کشورها می‌نجامد. جهانی شدن مفهومی است که هم به فشرده شدن جهان و هم تشید آگاهی جهانی اشاره دارد و فرایندی که وابستگی مقابل جهانی و آگاهی از جهان به عنوان یک کلیت یکپارچه را در قرن ۲۰ به دنبال داشته است. خلاصه آنکه جهانی شدن مجموعه‌ای پیچیده از جریان‌هایی است که از طریق مخلوطی از تأثیرات سیاسی و اقتصادی هدایت می‌شوند. جهانی شدن زندگی را به ویژه در کشورهای پیشرفته دگرگون ساخته و همزمان نیروها و نظامهای فراملیتی جدید ایجاد می‌کند.

در خصوص درآمدهای مالیاتی نیز می‌توان ادعا نمود که همزمان با تشکیل اولین جوامع بشری مالیات نیز پا به عرصه ظهر گذاشته است. یک اقتصاد اجتماعی برای انجام وظایف خود به ابزارهایی متول می‌شود که از آن تحت عنوان نهاد یاد می‌کنیم. یکی از این نهادها دولت است. در تفکر لیرالی جامعه از نظر اصولی به عنوان کنش و واکنش بین افراد مستقل قابل درک است. در نظریه سیاسی لیرالی دولت به عنوان قراردادی بین افراد تعریف می‌شود که منافع آنها در برخی زمینه‌ها با تصمیم‌گیری و اجرای جمعی افزایش می‌یابد (شان هادگپور، ۱۳۷۹). نهاد دولت برای اعمال حاکمیت جمعی نیازمند درآمد است که عمدت‌ترین آن درآمدهای مالیاتی می‌باشد. از سوی دیگر، با گستردگی شدن وظایف دولت نسبت به گذشته مسائل و مشکلات دولت به ویژه در زمینه اقتصاد پیشتر می‌شود. اهدافی از قبیل رشد اقتصادی، اشتغال، توزیع عادلانه درآمد و ثروت، کاهش تورم و ثبات قیمت‌ها و ایجاد امنیت اقتصادی از مهم‌ترین اهداف دولت‌هاست. درآمدهای دولت اغلب به دو گروه درآمدهای مالیاتی و غیرمالیاتی تقسیم می‌شود. نقش درآمدهای مالیاتی در بسیاری از کشورها در مقایسه با سایر منابع درآمدی پیشتر حائز اهمیت است و در مقایسه با سایر منابع از ایجاد آثار نامطلوب اقتصادی به میزان قابل توجهی می‌کاهد. این منبع درآمدی به دلیل قابلیت کنترل بر سایر منابع ناشی از اقتصاد داخلی ترجیح دارد، اما با توجه به ساختار اقتصادی ایران درآمدهای دولت نیز همانند سایر متغیرهای کلان اقتصادی از درآمدهای حاصل از فروش نفت تأثیر می‌پذیرند و تغییراتی که بواسطه تغییر در درآمدهای دولت پایدار می‌شود از سهم اندکی نسبت به سایرین

برخوردار می‌باشد. بنابراین، پی‌ریزی یک نظام مالیاتی منظم و سیستماتیک بستر مناسبی برای احراز برنامه‌های گوناگون ایجاد می‌کند که می‌بایست در قالب برنامه‌های توسعه اقتصادی پیش‌بینی شود. با توجه به مفاهیم ذکر شده، لزوم انجام مطالعات و بررسی‌های دقیق در این زمینه را پیشتر می‌نمایاند، لذا در تحقیق حاضر پس از مروری بر ادبیات تحقیق و بررسی تحقیقات انجام شده این رابطه مورد سنجش قرار گرفته و عوامل تأثیرگذار شناسایی و در نهایت نتیجه گیری و پیشنهادات لازم ارائه می‌گردد.

فرضیات اصلی مقاله نیز به این شرح مطرح می‌باشند: الف) در بررسی فرایند جهانی شدن شاخص آزادسازی تجاری دارای اثری مثبت بر درآمدهای مالیاتی در ایران می‌باشد. ب) اثر درآمدهای مالیاتی بر خروج سرمایه از ایران مثبت می‌باشد.

۲. مروری بر ادبیات و پیشنهاد تحقیق

۱-۲. جهانی شدن

جهانی شدن مفهومی است چند بعدی که ابعاد مختلف حیاتی انسانی از جمله ابعاد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، زیست‌محیطی را شامل می‌شود، بنابراین در یک معنای کلی می‌توان جهانی شدن را افزایش وابستگی متقابل اجزاء دور از هم (اعم از انسان‌ها، کشورها، شرکت‌ها و غیره) دانست. اما چگونه می‌توان این سطوح وابستگی متقابل را اندازه‌گیری نمود و پیامدهای گوناگون آن را مورد ارزیابی قرار داد؟ میزان مشارکت یک کشور خاص از جنبه‌های مختلف در فرایند جهانی شدن چگونه مشخص می‌شود؟ از چه طریق می‌توان مطمئن شد که جهانی شدن پدیده‌ای است واقعی و در حال وقوع و نه انگاره‌ای ذهنی و افسانه‌ای؟ درنهایت اینکه چگونه می‌توان دریافت که آیا در دنیای واقعی جهانی شدن در حال گسترش و پیشرفت است یا بر عکس؟ بدون تردید ارائه پاسخ منطقی به این پرسش‌ها مستلزم در اختیار داشتن شاخص مناسب از جهانی شدن می‌باشد.

البته جهانی شدن اقتصاد تنها به تجارت، سرمایه‌گذاری و مالیه بین‌الملل منحصر نمی‌شود؛ بلکه شامل جریان خدمات، تکنولوژی و اندیشه‌ها در مواردی مزدهای ملی نیز می‌گردد، بنابراین منطقی است که شاخص‌های مختلفی از جهانی شدن وجود داشته باشد که هر یک ابعاد مختلفی از این فرایند را پوشش دهد. از سویی جهانی شدن اقتصاد را می‌توان مترادف با آزادسازی اقتصادی در سطوح ملی و بین‌المللی دانست. منظور از آزادسازی ملی، خصوصی‌سازی، کاهش مداخله دولت در اقتصاد و حرکت به سوی بازار و آزادسازی بین‌المللی، کاهش موانع بر سر راه تجارت کالاها و خدمات، جریانات سرمایه و انتقال تکنولوژی می‌باشد. با این تعریف از جهانی شدن، تمام شاخص‌های آزادی اقتصادی و نیز شاخص‌های باز بودن تجاری و مالی در شمار شاخص‌های جهانی شدن قرار می‌گیرند. تاکنون شاخص‌های بسیاری از جهانی شدن و آزادسازی تعریف و ارائه گردیده است که برخی نسبتاً جامع و مرکب از چندین شاخص فرعی و برخی دیگر شاخص‌هایی ساده می‌باشند.

۲-۲. ایران و جهانی‌شدن

جهانی‌شدن تأثیرات فراوانی در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر جای گذاشته و فرصت‌ها و چالش‌های مختلفی را ایجاد نموده است. از لحاظ اقتصادی این پدیده آنچنان اقتصاد کشورها را به هم مرتبط ساخته و به سمت یکپارچگی پیش رانده است که آثار هر پدیده چه مثبت و چه منفی در قلمرو یک اقتصاد محدود نمی‌ماند و به سرعت به سایر نقاط جهان تسری می‌یابد. افزایش چشمگیر تجارت جهانی چه در بعد کالا و چه خدمات، انتقال گسترده سرمایه و منابع مالی، گسترش سریع تولید و مصرف، تغیرات سریع در الگوی مصرف و زیست و نقش محوری کارایی در تولید و خلق مزیت‌های رقبایی از جمله آثار مهم پدیده جهانی‌شدن است.

حال عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی به دلیل شرایط و اصول حاکم بر آن و شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور تبعات مثبت و منفی متعددی در بی خواهد داشت. آثار مثبت عبارتند از دسترسی آسان‌تر به بازارهای جهانی، افزایش قدرت چانه‌زنی، اخذ امتیاز و قدرت مانور در دهکده‌جهانی، جذب بیشتر سرمایه گذاری خارجی و انتفاع از آثار مثبت آن (افزایش تولید، افزایش صادرات، ورود تکنولوژی و ...)، امکان استفاده از مشاوره‌ها و سیستم‌های WTO جهت حل اختلافات تجاری، بهبود وضعیت حقوق مالکیت در ایران، توسعه صادرات ایران بهویژه در محصولاتی که مزیت نسبی در تولید آنها را داریم همچون کالاهای کشاورزی، منسوجات و پوشاک، صنایع غذایی، صنایع پتروشیمی، چرم و بصورت بالقوه صنایع وابسته به صنعت الکترونیک و بهره‌گیری از تسهیلاتی که برای برخی از صنایع و محصولات کشورهای در حال توسعه درنظر گرفته شده است. ارتقاء کیفی محصولات تولیدی کشور به سبب لزوم رعایت استانداردهای بین‌المللی، امکان افزایش درآمدهای مالیاتی کشور با حذف موانع غیرتعریفهای و تبدیل آنها به موانع تعریفهای، اصلاح و به هنگام شدن قوانین توسعه صادرات، اجراء دولت به گسترش حیطه عملکرد بخش خصوصی و جدیت بیشتر در خصوصی‌سازی و در نتیجه دستیابی به آثار مثبت حاصل از آن و اصلاح و بهبود سیستم‌های حمایتی در کشور که یکی از نقاط ضعف در زمینه فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی می‌باشد. آثار منفی نیز عبارتند از افزایش واردات ناشی از برداشت موانع غیرتعریفهای و حذف کنترل‌های ارزی و زیان حاصل از آن با توجه به کمبود منابع ارزی، امکان کسری زیاد در تراز بازرگانی به دلیل افزایش واردات پیش از افزایش صادرات، احتمال افزایش یکاری در نتیجه کاهش تولید صنایع و کارخانجاتی که دارای محصولات قابل رقابت نیستند.

۳-۲. جهانی‌شدن و بازارهای مالی

جهانی‌شدن فرایندی است که قابلیت تبدیل به فرصتی برای منافع ملی ما و تهدیدی بر ضد منافع را خواهد داشت و اینکه کدام روی سکه که رخ می‌دهد بستگی مستقیم به نحوه مواجهه ما با آن را دارد. جهانی‌شدن بازارهای مالی هر روز توسعه بیشتری می‌یابد. توسعه بازارهای مالی بین‌المللی و افزایش حجم معاملات در بازارهای

خارجی و بازارهای سرمایه یک واقعیت غیرقابل انکار است. پیشرفت در فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، آزادسازی در بازارهای سرمایه و رانه ابزارهای جدید مالی باعث تحرک بیشتر گردش بین‌المللی سرمایه و راهنمایی برای افزایش توسعه و کارایی در بازارهای مالی بین‌المللی می‌شود.

شواهد نشان می‌دهند که مرزهای بومی مواعنی در راه جریان‌های بین‌المللی سرمایه محسوب می‌شوند. پرتفولیوی سرمایه‌گذاران در کشورهای صنعتی به سمت دارایی‌های بومی بوده و پس‌اندازهای ملی عمدتاً از طریق صنایع ملی جذب می‌شوند. افزایش در معاملات مالی بین‌المللی دارای دو بعد اساسی است. یکی اینکه افزایش تحرک و پویایی پس‌اندازها که باعث بهبود کارایی در تحصیص منابع می‌شود و دیگری اینکه آثار معاملات بین‌المللی کارایی ریسک انتقال را بهبود می‌بخشد. به عبارت دیگر، به واسطه توسعه معاملات قیمت دارایی‌های مالی در بین کشورها بصورت هموارتری نسبت به گذشته عمل می‌کند و این شواهد دلیلی بر جهانی شدن بازارهای مالی است.

چگونگی جهت، حرکت و توسعه جهانی شدن بازارهای مالی در آینده کاربردهای مهمی برای جهت‌دهی به سیاست‌های پولی توسط بانک مرکزی دارد. بین دو اصطلاح جهانی شدن بازارهای مالی و بین‌المللی شدن بازارهای مالی تفاوت وجود دارد. بین‌المللی شدن بر شرایطی دلالت دارد که معاملات خارجی مشخصی افزایش می‌یابد و جهانی شدن بر شرایطی دلالت دارد که اقتصاد تمام کشورها به ویژه بازارهای مالی آنچنان یکپارچه می‌شوند که یک بازار جهانی واحد را بوجود می‌آورند. به عنوان مثال، زمانی که کشوری مکانیزم واحدی را برای واردات محصولات کشاورزی به منظور حمایت از بخش کشاورزی بومی خود در نظر می‌گیرد ممکن است بین‌المللی شدن توسعه یابد اما جهانی شدن نمی‌تواند توسعه یابد.

به هر حال به نظر می‌رسد که رابطه‌ای بسته بین جهانی شدن بازارهای مالی و بازارهای کالا و خدمات وجود دارد، بطوری که توسعه در جهانی شدن بازارهای مالی باعث تحرک در بازارهای کالا و خدمات برای جهانی شدن و برعکس می‌شود.

۳. تأثیر جهانی شدن بر روند اخذ مالیات (موریانه‌های مالی)

جهانی شدن و ادغام بین‌المللی کشورها همراه با پیشرفت سریع تکنولوژی احتمالاً بر توانایی آنها در جمع‌آوری مالیات و توزیع بار مالیات اثرخواهد گذاشت. به علاوه، با گذشت زمان آثار جهانی شدن بر درآمدهای مالیاتی احتمالاً افزایش می‌یابد و در آمارهای کشورها نمودار خواهد شد.

با توجه به آمار موجود، کل بار مالیاتی هر کشور عضو OECD بطور اساسی طی سه دهه گذشته افزایش یافت (از متوسط ۲۶ درصد GDP در سال ۱۹۵۶ به متوسط ۳۶ درصد GDP در سال ۱۹۹۷). این رشد که طی

سال‌های اخیر در برخی کشورها کاهش یافته یا متوقف شده بود با برخی تغییرات در ترکیب درآمد مالیاتی همراه گردید، در حالی که سهم مالیات بر درآمد شخصی کاهش یافت و سهم مالیات بر درآمد شرکت‌ها نسبتاً ثابت باقی ماند. مشارکت‌ها در تأمین اجتماعی بطور اساسی افزایش یافته و همزمان یک انتقال آشکار از مالیات‌های فروش خاص به سمت مالیات‌های عمومی فروش به ثبت رسید. در دهه ۹۰ میلادی اثر جهانی‌سازی با آزادسازی بازارهای سرمایه و وحدت ییشترا اقتصاد پیش از پیش احساس گردید.

بخش اعظم کشورهای صنعتی امروزه در مقایسه با سال‌های قبل درآمدهای مالیاتی ییشترا را جمع‌آوری می‌کنند. با بررسی دقیقت می‌توان به آن چیزی که موریانه‌های مالی نامیده می‌شود و بنیان‌های سیستم مالیاتی کشورها را می‌جوند، پی برد. این موریانه‌ها بخشی از تحولات اکوسیستم جهانی شدن را تشکیل می‌دهند، اما اینکه آنها بطور جدی ساختارهای مالی را صدمه خواهند زد قابل بررسی است. ممکن است که در آینده، جهانی شدن منجر به روش‌های ابداعی جدیدی در کاربرد دانش و تکنولوژی افزایش درآمدهای مالیاتی گردد. این امر نیاز به ارزیابی روش‌هایی را که بر اساس آن تحولات جاری بر سیستم مالیاتی اثر می‌گذارد را کاهش نمی‌دهد. در اینجا تنها عناوین هشت موریانه مالی ارائه شده است که عبارتند از تجارت و معاملات الکترونیکی، پول الکترونیکی، تجارت درون شرکتی، مراکز مالی برون‌مرزی، ابزارهای مشتقه و وجوده تأمینی، ناتوانی در مالیات‌گیری از سرمایه‌های مالی، رشد فعالیت‌های خارجی و خریدهای خارجی که از این میان با توجه به ارتباط موضوع مورد ششم را توضیح می‌دهیم.

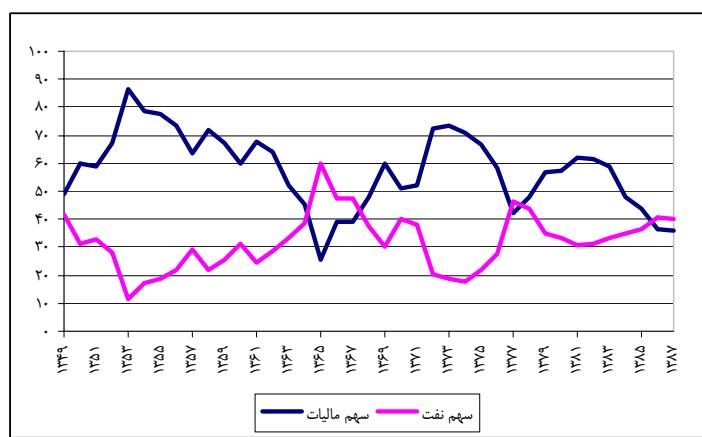
ششمین موریانه مالی، عدم توانایی یا (غلب) عدم تمایل کشورها در مالیات‌گیری از سرمایه مالی و درآمدهای اشخاص با توانایی‌های بالای تجاری است. از آنجایی که بازار سرمایه بین‌المللی ادغام شده و کاراتر گردیده است برای کشورها مشکلتر شده است که از سرمایه جلب‌جا شده یا افراد بسیار ماهر در نرخ‌های بالاتر از آنچه در خارج اخذ می‌گردد مالیات گرفته شود. نرخ‌های مالیاتی بالا در یک کشور به عنوان انگیزه مالیات‌دهنگان در خروج سرمایه به خارج به سوی محدوده‌هایی که مالیات کمتر است، می‌گردد. این مسئله موجب مسائل غیرقابل حل مهمی در اتحادیه اروپا شده است و موجب شده کشورها نرخ‌های مالیاتی نهایی کمتری را بر افراد تحمیل نمایند و یا مالیات بر درآمد دوگانه‌ای را معرفی نمایند. در نتیجه، مالیات‌های جهانی با نرخ‌های بالا در تحمیل به یک دنیای جهانی شده بطور روزافزونی با مشکل مواجه می‌شوند.

۴. نظام مالیاتی ایران

در قالب تئوری‌های بخش عمومی و همچنین در توصیف کارکرد درآمدی دولت ایران درآمدهای دولت معمولاً شامل درآمدهای مالیاتی، درآمدهای غیرمالیاتی و سایر درآمدهای می‌باشند. در واقع درآمدهای غیرمالیاتی،

درآمدهای ناشی از فعالیت‌های اقتصادی دولت است که شامل سود ناشی از انحصارات دولت مانند نفت، راه‌آهن، کارمزد ارائه خدمات توسط سازمان‌ها و نهادهای دولتی، درآمدهای ناشی از املاک عمومی، فروش یا اجاره و اعطاء وام یا درآمد فعالیت نهادهای پولی (انتشار اسکناس) می‌شود. منظور از سایر درآمدهای دولت، درآمدهای حاصل از انحصارات و مالکیت دولت، خدمات و فروش کالا (و فروش ارز)، درآمدهای متفقه و بهره وام‌ها و سود حاصل از سرمایه‌گذاری دولت در خارج کشور می‌باشد.

در ادامه، ابتدا روند درآمدها و سپس سازگاری آن با مدل‌های موردنظر را بررسی می‌کنیم. بررسی عملکرد نظام مالیاتی کشور حاکی از آن است که پیش از رشد چشمگیر درآمدهای نفتی در سال ۱۳۵۳ درآمدهای مالیاتی روند معتدلی داشته، اما افزایش شدید بهای نفت موجب کاهش سهم درآمدهای مالیاتی و افزایش سهم نفت در بودجه عمومی گردیده است. بررسی روند درآمدهای دولت (پس از افزایش قیمت نفت) نشان می‌دهد که ترکیب درآمدهای دولت به گونه‌ای بوده که جز در یکی دو سال همواره سهم مالیات‌ها کمتر از ۵۰ درصد درآمدهای دولت بوده است. همچنین، تحولات بازار جهانی نفت همواره درآمدهای مالیاتی را تحت تأثیر قرار داده، زیرا بخش مهمی از درآمدهای مالیاتی بطور مستقیم یا غیرمستقیم وابسته به درآمد نفت بوده است. به عنوان مثال، مالیات بر واردات که همواره سهم زیادی از مالیات‌های مستقیم و پیش از ۳۰ درصد درآمدهای مالیاتی را تشکیل می‌دهد بطور مستقیم وابسته به ارز حاصل از صادرات نفت است و همچنین مالیات بر شرکت‌ها که حدود ۳۵ درصد درآمدهای مالیاتی را تشکیل می‌دهد.



مأخذ: بانک مرکزی، ۱۳۸۷.

نمودار ۱. میزان و تغییر سهم نفت و مالیات از درآمدهای دولت

در نتیجه، درآمد مالیاتی از این ناحیه به دلیل وابستگی شدید این شرکت‌ها به واردات مواد اولیه و واسطه‌ای همواره تحت تأثیر نوسان‌های درآمدهای نفتی بوده است. بطور کلی، علاوه بر سهم پایین درآمدهای مالیاتی از کل درآمدهای دولت وابستگی متجاوز از ۵۰ درصدی درآمدهای مالیاتی به درآمد نفت حاکی از ساخت نامناسب و نامطلوب این درآمدها می‌باشد. مقایسه این نسبت در سال‌های مختلف قبل و بعد از انقلاب نشان‌دهنده نوسان و نیز کاهش آن در سال‌های اخیر بوده است. از جمله دلایل این نوسانات، نوسان قیمت نفت و تأثیر متقابل آن بر درآمدهای مالیاتی و تولید ناخالص داخلی بوده که شانگر وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی و عملکرد نامطلوب نظام مالیاتی است. نمودار (۱) میزان و تغییرات سهم نفت و مالیات‌ها را از درآمدهای دولت را نشان می‌دهد. علاوه بر موارد فوق، میزان پوشش پرداخت‌های جاری به وسیله درآمدهای مالیاتی از جمله معیارهای ارزیابی عملکرد نظام مالیاتی است. مشاهده سهم مالیات‌ها از هزینه‌های جاری نشان‌دهنده این امر است که در طول سال‌های مورد بررسی این درآمدها در سطحی نبوده که بتواند حداقل نیمی از هزینه‌های جاری دولت را پوشش دهد و درآمدهای نفتی و سایر درآمدها بخشی از این شکاف را پوشش داده است. این واقعیت‌ها نشان‌دهنده نارسایی نظام مالیاتی و لزوم تلاش بیشتر در جهت رفع این نارسایی‌هاست.

علاوه بر این، نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی از دیگر شاخص‌های مهم ارزیابی کارایی نظام مالیاتی است. استفاده از این نسبت به عنوان ضابطه‌ای برای نشان دادن اصل رعایت عدالت و مساوات مالیاتی تنها زمانی امکان‌پذیر است که بدانیم چه میزان از تولید ناخالص داخلی قابل برداشت، همچنین این برداشت چگونه در بین بخش‌های مختلف اقتصاد کشور توزیع می‌گردد (پژویان، ۱۳۸۴ و شیری‌نژاد، ۱۳۷۵).

از مقایسه سهم درآمدهای مالیاتی از تولید ناخالص داخلی در ایران با دیگر کشورها این نتیجه حاصل می‌شود که در طول سال‌های مورد مطالعه این نسبت در تمام کشورهای صنعتی و پیشرفته رو به افزایش بوده است. هم بررسی واقعی و هم برآوردهای علمی نشان می‌دهند که میانگین نسبت سهم مالیات از تولید ناخالص ملی در اغلب کشورهای پیشرفته از مرز ۳۰ درصد گذشته است (روسن، ۲۰۰۵)، در حالی که این سهم در ایران تا سال ۲۰۰۳ حدود ۵/۵ درصد بوده و با وجود تغییرات ایجاد شده در نظام مالیاتی و رشد این شاخص در ایران در سال ۲۰۰۴ سهم مالیات حدود ۷ درصد تولید ناخالص داخلی بوده است. این در شرایطی است که بخش قابل توجهی از مالیات در ایران مربوط به بخش نفت است، بنابراین میزان حقیقی مالیات بدون نفت در ایران کمتر از ۷ درصد تولید ناخالص می‌باشد.

۵. مطالعات انجام شده

کیم آندرسن (۲۰۰۱) در مقاله خود تحت عنوان "جهانی شدن، سازمان جهانی تجارت اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا (آسه‌آن)" چنین عنوان می‌کند که آثار فراگیر فرایند جهانی شدن در کشورهای فقیر نیز حداقل به اندازه

کشورهای ثروتمند مشاهده می‌شود. این کشورها از نهادهای بین‌المللی مانند سازمان جهانی تجارت نیز تأثیر پذیرفته و برآنها تأثیر می‌گذارند. سازمان مذکور باعث تحول گزینه‌ها و سیاست‌های کشورهای در حال توسعه و در حال گذار شده است. توانایی تأثیرگذاری این کشورها بر سازمان مذکور نیز رو به افزایش است. در مقاله حاضر، با بررسی این تعامل سه جانبه جهانی شدن، سازمان جهانی تجارت و استراتژی‌های تجارت و توسعه کشورهای در حال توسعه و در حال گذار تلاش می‌کنیم تا آثار و تبعات این امر را برای عملکرد دولت‌های جنوب‌شرقی آسیا در اوایل قرن ۲۱ روشن سازیم. بطور قطعی، یکی از تبعات این امر دست شستن از برخی دخالت‌های دولت در بازار خواهد بود. دخالت‌هایی که ناکارامدی آنها برای جهانی شدن آشکارتر شده است، اما به این مسئله نیز توجه شده است که برای تداوم یا بهبود عملکرد بازارهای اقتصادی و سیاسی به چه اقدامات دولتی جدیدی در سطح بین‌المللی و ملی نیاز است.

زایر و شفیعی در مقاله خود تحت عنوان "بررسی تأثیر بحران مالی جهانی بر درآمدهای مالیاتی کشور" عنوان می‌کنند که آثار بحران مالی جهانی بر برخی متغیرهای کلان اقتصاد ایران مورد بررسی قرار گرفته است. بدین منظور، روند تغییرات تولید ناخالص داخلی، درآمدهای نفتی، مخارج دولت، تجارت خارجی و بازار سرمایه با استفاده از روش خود توضیح بداری (VAR) و تکنیک تجزیه واریانس مورد تحلیل قرار گرفته است. در نهایت، آثار بحران بر درآمدهای مالیاتی کشور به تفکیک نوع مالیات وصول شده ارائه گردیده است. بررسی نتایج نشان می‌دهد که با توجه به روند نزولی شاخص‌های مذکور طی سال ۱۳۸۷ آثار بحران در سال ۱۳۸۸ باشد پیشتری در اقتصاد ایران نمایان خواهد گردید.

فلاح‌شمس در مطالعه خود تحت عنوان "تحلیلی بر چالش‌های جهانی شدن بازار سرمایه در ایران" عنوان می‌کند که در اقتصاد امروز، جهانی شدن ضرورتی ناگزیر بوده و تمام برنامه‌های اقتصادی کشورها را تحت تأثیر خود قرار داده است. در این مقاله، چالش‌های پیش‌روی بازار سرمایه ایران در مسیر جهانی شدن مورد بررسی قرار می‌گیرد. در عصر حاضر، پدیده جهانی شدن در تمام حوزه‌ها تأثیر گذاشته و بازار سرمایه نیز این قاعده مستثنی نیست. جهانی شدن واقعیتی است که پیش‌روی تمام جهانیان قرار دارد و برنامه‌های اقتصادی هر کشوری می‌بایست هماهنگ و همسو باشد. پدیده جهانی شدن اقتصاد باشد تا امکان استفاده از فرصت‌های فراوان جهانی شدن نصیب آنها شود. یکی از اصلی‌ترین فرصت‌های جهانی شدن بازارهای مالی کشورها، ورود سرمایه و منابع مالی عظیم جهت سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف اقتصادی است، لذا حفظ بقا و دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار و رقابت در سطح بین‌المللی نیازمند تغییر شرایط موجود و همسو شدن با پدیده جهانی شدن به منظور جذب منابع مالی در سطح بین‌الملل است و این امر از اهمیت خاص و استراتژیکی برخوردار است. در عین حال، جهانی شدن بازارهای مالی کشورها دارای تهدیداتی است که عدم توجه به آنها می‌تواند کشور را با بحران‌های

مالی همراه سازد. در این مقاله با مطالعه بازارهای مالی کشورهای دیگر تلاش شده است فرصت‌ها و تهدیدات جهانی‌شدن بازارهای مالی شناسایی و سپس راهکارهایی مناسب برای استفاده از فرصت‌ها و مقابله با تهدیدات جهانی‌شدن بازارهای مالی کشور ارائه شود.

۶. تخمین مدل

در این بخش ابتدا نحوه محاسبه و برآورد برخی از شاخص‌های بکار رفته در هر دو مدل بررسی شده و در مرحله بعد ابتدا مدل مربوط به درآمدهای مالیاتی را تخمین و نتایج آن را بدست می‌آوریم، سپس با توجه به این مسئله که درآمدهای مالیاتی و نحوه اجرا و تعیین مالیاتی در کسب درآمدها ارتباط مستقیمی با حجم سرمایه‌گذاری در دو بعد جذب و فرار سرمایه دارد مدل دوم تحقیق به بررسی تأثیر درآمدهای مالیاتی و سایر عوامل مؤثر بر فرار سرمایه در ایران می‌باشد.

۶-۱. نحوه محاسبه برخی از متغیرهای موجود در مدل

۶-۱-۱. نحوه محاسبه میزان حجم فرار سرمایه

با توجه به تعاریف مختلف از فرار سرمایه روشنایی متفاوتی نیز برای محاسبه حجم آن وجود دارد مانند روش پاستور، روش واحد اطلاعات اقتصادی (EIU)، روش خروج خصوصی سرمایه یا روش کمیجانی اول، روش تعدیلات نرخ ارز و معاملات ثبت نشده، روش کادینگتون، روش انتقالات و روش تعدیلات بدھی.

از بین تمام روش‌های مختلف ذکر شده در این تحقیق برای محاسبه حجم فرار سرمایه از روش تعدیلات بدھی بدلیل کامل بودن نسبت به سایر روش‌ها و موجود بودن آمار متغیرهای بکار رفته در دوره موردنظر و مطابقت بسیار بالا با اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی کشور استفاده می‌کنیم که فرمول کلی آن بصورت زیر است (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۸۰ و سازمان امور اقتصادی و دارایی استان مرکزی، ۱۳۸۱):

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی + بهره پرداختی + خروج وام و سرمایه خصوصی خارجی + فروش ارز برای خدمات بخش خصوصی + بازپرداخت اصل وام و اعتبارات خارجی = فرار سرمایه

با توجه به مقادیری که در روش تعدیلات بدھی محاسبه گردیده است ارقام بدست آمده بدین صورت

قابل تفسیر می‌باشد:

در سال‌های پیش از ۱۳۵۲ یعنی دوره (۱۳۴۱-۱۳۵۱) فرار سرمایه رقم قابل ملاحظه‌ای نداشته است. در سال‌های ۱۳۵۲ به بعد به ویژه سال ۱۳۵۳ با افزایش چشمگیر قیمت نفت و افزایش قابل ملاحظه درآمد ارزی فرار سرمایه نیز رشد فراوانی یافته است. قابل ذکر است که در سال ۱۳۵۳ با افزایش قیمت نفت و به دنبال آن تشکیل بازار ارز غیر بازرگانی تا سال ۱۳۵۷ بالغ بر ۷ میلیارد دلار تنها ارقام تربیقی بانک مرکزی به این بازار بود

که باعث فرار سرمایه بسیاری از کشور شد. در سال‌های (۱۳۵۷-۱۳۵۴) ادامه روند بازار ارز غیربازرگانی و نیز تحولات سیاسی و اجتماعی اوایل انقلاب فرار سرمایه را به میزان قابل توجهی افزایش داد. در سال ۱۳۵۷ فرار سرمایه به اوج خود در چند سال قبل از ۱۳۵۷ می‌رسد. فرار سرمایه در این سال‌ها عمدتاً به شرایط سیاسی مرتبط می‌شود. اعتصابات گسترده، رکود فعالیت‌های اقتصادی، کاهش دریافت‌های ارزی و ناطمنانی به آینده سال ۱۳۵۷ را به سالی تبدیل نمود که ارقام فرار سرمایه به بیش از ۱۰ میلیارد دلار رسید. ادامه روند سال ۱۳۵۷ به سال ۱۳۵۸ نیز تسری یافت با این تفاوت که در سال ۱۳۵۸ محدودیت‌های ارزی برای کنترل خروج ارز از کشور ایجاد شد. همچنین، در این سال اعطاء وام کاهش قابل ملاحظه‌ای یافت و در بی‌بلوکه شدن دارایی‌ها و ذخایر ارزی ایران در آمریکا کلیه معاملات دلاری توسط مقامات سیاسی قطع و به بازار ارز غیربازرگانی نیز پایان داده شد. در سال ۱۳۵۹ بجز پرداخت وام‌ها، پرداخت‌های ارزی و خروج خصوصی سرمایه کاهش نشان می‌دهد. البته بحران گروگان‌گیری و شرایط تحریم اقتصادی آمریکا نیز اوضاع خروج ارز از کشور را تحت تأثیر قرار داد. در سال ۱۳۶۰ خروج رسمی ارز به دلیل واریز بخشی از وام‌ها قبل از سر رسید حدود ۳۱ درصد کاهش یافت و بهره وام‌های پرداختی نیز تنزل قابل توجهی داشت.

از سوی دیگر، افزایش شکاف قیمت ارز رسمی و آزاد در این سال انگیزه خصوصی را برای خروج یافتن کرد، اما کنترل‌های دولتی و کاهش خروج رسمی ارز تا حدی باعث کاهش فرار سرمایه گردید. در سال ۱۳۶۱ پیرو یانیه الجزایر در مورد حل و فصل بحران گروگان‌گیری مقرر شد که ایران بدھی‌های خود را تأديه نماید. در این سال اگرچه خروج خصوصی ارز کاهش داشت، اما به واسطه افزایش بازپرداخت سرمایه‌ای، فرار سرمایه رشد نشان می‌دهد سال‌های (۱۳۶۳-۱۳۶۷) یعنی سال‌های جنگ با کاهش بهره‌ها، کاهش خروج خصوصی ارز، کنترل‌های ارزی،

قطع فروش ارز مسافرتی (که منبع بخشی از فرار سرمایه به شمار می‌رفت) فرار سرمایه تا حدی کنترل شد. در سال ۱۳۷۱ فرار سرمایه افزایش چشمگیری یافت و دلیل آن نیز استعمال بدھی‌های خارجی و بهره‌های تصاعدی آن است. در سال ۱۳۷۲ انتقالات قابل توجهی به کشور وارد شده است و به همین شکل روند کاهش و افزایش میزان فرار سرمایه تا سال ۱۳۸۳ ادامه می‌یابد.

۶-۱-۲. نحوه اندازه‌گیری متغیر امنیت سرمایه‌گذاری الگوی فرار سرمایه بصورت زیر می‌باشد:

$$CF = \alpha + \beta_1 R + \beta_2 IG + \beta_3 K + \beta_4 E + \beta_5 TU + U_1 \quad (1)$$

که در آن، IG همان امنیت سرمایه‌گذاری است که به توضیح آن می‌پردازم. باید توجه داشت که بدون وجود امنیت هیچ میزانی از رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی قابل تصور نیست و بهترین نمادی که می‌توان امنیت را در جامعه برقرار سازد حکومت است. دولت از طریق قوانین و مقررات می‌تواند این امنیت را برقرار سازد، البته عکس این موضوع نیز صادق می‌باشد. به عبارت دیگر، دولت می‌تواند از طریق قانون و مقررات مهم‌ترین عامل برای رفع یا ایجاد اخلاق در جامعه و اقتصاد باشد. با توجه به مطالعاتی که در زمینه نقش سهم سرمایه‌گذاری (I) در محصول ناخالص ملی، $\frac{I}{GNP}$ و اثر آن در رشد اقتصادی صورت گرفته مشخص شد که سهم سرمایه‌گذاری با حاکمیت قانون ارتباط داشته است. به عبارت دیگر، حاکمیت بهتر قانون مجموعه شرایطی را فراهم می‌سازد که در آن سرمایه‌گذاری یشتری صورت می‌گیرد و در نتیجه باعث استمرار و تداوم رشد اقتصادی می‌گردد. بنابراین، از مقدار بدست آمده از طریق $\frac{I}{GNP}$ می‌توان برای نشان دادن میزان امنیت سرمایه‌گذاری در یک کشور استفاده نمود. بنابراین، هرچه مقدار محاسبه شده برای یک کشور بالاتر باشد نشان‌دهنده وجود شرایط مناسب و وجود امنیت لازم برای سرمایه‌گذاری در آن کشور است. باید توجه داشت که منظور از I سرمایه‌گذاری بخش خصوصی است و سرمایه‌های خصوصی حساسیت بالایی نسبت به امنیت در جامعه دارند.

۶-۱-۳. مدل درآمدهای مالیاتی و نحوه اندازه‌گیری شاخص جهانی شدن الگوی درآمدهای مالیاتی که بصورت لگاریتمی است به شکل کلی زیر می‌باشد:

$$LTAX = \alpha + \beta_1 LCPI + \beta_2 LGLOBAL + \beta_3 LO + \beta_4 LGDP + \varepsilon_1 \quad (2)$$

در مدل فوق، $GLOBAL$ نشان‌دهنده شاخص جهانی شدن است که برای محاسبه آن با توجه به روش‌های متعددی که وجود دارد و در کشورهای مختلف تا حال مورد استفاده قرار گرفته است روشی که ییشتر با چارچوب و شرایط خاص سیاسی-اقتصادی ایران سازگار است بصورت زیر در نظر گرفته می‌شود.

$$GLOBAL = \frac{X + M}{GDP} \quad (3)$$

که در آن، X : صادرات، M : واردات و GDP : تولید ناخالص داخلی است.

۶-۲. بررسی پایایی متغیرهای مدل درآمدهای مالیاتی

در مورد سری های زمانی مورد مطالعه در الگوی درآمدهای مالیاتی که عبارتند از:

LTAX: لگاریتم درآمدهای مالیاتی

LCPI: لگاریتم شاخص قیمت مصرف کننده

GLOBAL: لگاریتم شاخص جهانی شدن

LO: لگاریتم درآمدهای نفتی

LGDP: لگاریتم تولید ناخالص داخلی

آزمون ایستایی دیکی- فولر تعمیم یافته (ADF) و فیلیپس- پرون (PP) با نرم افزار Microfit انجام گرفت و

جهت انتخاب وقهه بهینه از معیار شوارتز- بیزین استفاده شده است که نتایج آزمون در جدول (۱) نشان داده شده اند.

جدول ۱. نتایج آزمون ایستایی مربوط به متغیرهای الگوی درآمدهای مالیاتی

متغیرها	ADF	سطح	PP	تفاضل مرتبه اول	ADF	سطح	PP	تفاضل مرتبه اول	ADF
LTAX	-۰/۸۵۱۲۷۰ ^{ns}	-۰/۷۲۱۲۱۱ ^{ns}	-۴/۲۴۵۴۷۱ [°]	-۴/۲۳۱۲۸۸ [°]					
LGDP	-۱/۵۴۶۱۶۴ ^{ns}	-۱/۲۹۴۵۷۴ ^{ns}	-۴/۱۷۵۱۵۰ [°]	-۴/۲۳۱۲۸۸ [°]					
LCPI	-۰/۲۰۱۹۴۳ ^{ns}	-۰/۰۹۱۵۸۱ ^{ns}	-۳/۴۳۱۰۴۲ [°]	-۳/۳۰۲۷۹۳ [°]					
GLOBAL	-۱/۸۲۲۷۶۸ ^{ns}	-۳/۱۱۴۴۱۷ [°]	-۵/۶۳۵۷۶۰ ^{**}	-					
LO	-۰/۳۶۸۶۷۷ ^{ns}	-۰/۴۲۲۱۳۲ ^{ns}	-۶/۰۸۹۹۵۰ ^{**}	-۶/۰۱۰۳۴۱ ^{**}					

:Non-Significance: غیر معنادار.

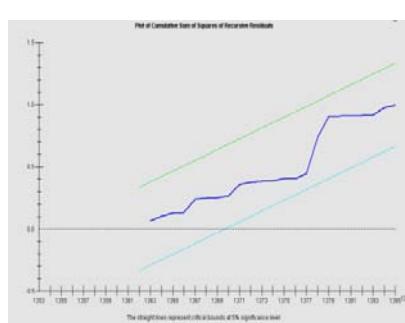
*: در سطح ۵ درصد معنادار و **: در سطح یک درصد معنادار.

مأخذ: نتایج تحقیق.

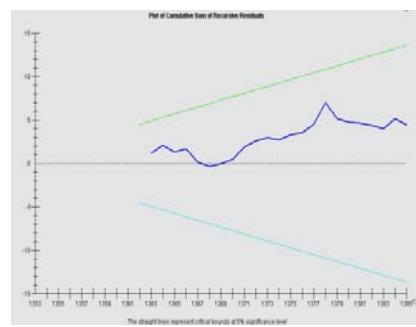
آزمون های ایستایی فوق با عرض از مبدأ و روند انجام گرفته اند. طبق آزمون های انجام شده، تمام متغیرها در سطح خود نایستا بوده و با یک تفاضل گیری ایستا می شوند. تنها شاخص جهانی شدن طبق معیار فیلیپس- پرون در سطح خود معنادار می باشد.

به منظور بررسی ثبات ساختاری از آماره های Cusumsq، Cusum استفاده می کنیم. نرم افزار Microfit نمودارهای پسماند تجمعی و مجنور پسماند تجمعی را بین دو خط صاف فاصله اطمینان ۹۵ درصد ارائه می کند که اگر نمودار داخل فاصله اطمینان باشد فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود شکست ساختاری پذیرفه می شود و اگر نمودار از فاصله اطمینان بیرون زده باشد (به عبارتی فاصله اطمینان را قطع کرده باشد) فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود شکست ساختاری رد و وجود شکست ساختاری پذیرفه می شود آماره Cusum برای یافتن تغییرات سیستماتیک در ضرایب

رگرسیون و آماره Cucum of Square زمانی که انحراف از پایداری ضرایب رگرسیون اتفاقی و ناگهانی است مفید واقع می‌شود (شکینی، ۱۳۸۴).



نمودار ۳. مجدور بسمندهای تجمعی (CUSUMSQ)



نمودار ۲. بسمندهای تجمعی (CUSUM)

۶-۳. تخمین مدل ARDL برای الگوی درآمدهای مالیاتی

بطور کلی، روش‌هایی مانند انگل - گرنجر در مطالعاتی که با نمونه‌های کوچک (تعداد مشاهدات کم) سرو کار دارند به دلیل درنظر نگرفتن واکنش‌های پویای کوتاه‌مدت موجود بین متغیرها اعتبار لازم را ندارند، چراکه برآوردهای حاصل از آن بدون تورش نبوده و در نتیجه، انجام آزمون فرضیه با استفاده از آماره‌های آزمون معمول مانند t معتبر نخواهد بود. به همین دلیل، استفاده از الگویی که پویایی‌های کوتاه‌مدت را در خود داشته باشد و منجر به برآورد ضرایب دقیقتری از الگو شوند مورد توجه قرار می‌گیرند. بطور کلی، الگوی پویا الگویی است که در آن وقفه‌های متغیرها همانند رابطه (۳) وارد شوند.

$$Y_t = aX_t + bX_{t-1} + cY_{t-1} + u_t \quad (4)$$

برای کاهش تورش مربوط به برآورد ضرایب الگو در نمونه‌های کوچک بهتر است تا حد امکان از الگویی استفاده کنیم که تعداد وقفه‌های زیادی برای متغیرها همانند رابطه (۴) در نظر بگیرد.

$$\varphi(L, P)Y_t = \sum_{i=1}^k b_i(L, q_i)X_{it} + cW_t + u_t \quad (5)$$

الگوی فوق یک الگوی خود توضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) نام دارد که در آن داریم:

$$\varphi(L, P) = 1 - \varphi_1 L - \varphi_2 L^2 - \dots - \varphi_p L^p \quad (6)$$

$$b_i(L, q_i) = b_{i0} + b_{i1}L + \dots + b_{iq}L^q \quad i = 1, 2, \dots, K \quad (7)$$

که در آن، L : عملگر وقه، W : برداری از متغیرهای ثابت مانند عرض از مبدأ، متغیرهای مجازی، روند زمانی یا متغیرهای برونزای با وقه ثابت است. معادله Microfit را برای تمام حالات و ترتیبات ممکن مقادیر یعنی به تعداد بار برآورد می‌کند. m -حداکثر وقه است که توسط محقق تعیین می‌شود و k -نیز تعداد متغیرهای توضیحی است. در مرحله بعد با استفاده از یکی از معیارهای آکاییک، شوارتر-بیزین، حنان-کوین یا ضریب تعیین تعدیل شده یکی از معادلات انتخاب می‌شود. معمولاً در نمونه‌های کمتر از ۱۰۰ از معیار شوارتر-بیزین استفاده می‌شود تا درجه آزادی زیادی از دست نرود.

مزیت بسیار مهم روش ARDL در بین روش‌های همانباشتگی آن است که این روش بدون در نظر گرفتن این بحث که متغیرهای مدل (I) یا (II) هستند قابل کاربرد است. به عبارتی، در این روش نیازی به تقسیم متغیرها به متغیرهای همبسته از درجه یک و صفر نیست.

در اینجا نیز از مدل ARDL و معیار شوارتر-بیزین برای تخمین الگو استفاده خواهیم نمود. برای این منظور از نرم‌افزار Microfit استفاده کرده و تخمین موردنظر را انجام می‌دهیم که نتایج در جدول (۲) مشاهده می‌شود.

جدول ۲. نتایج برآوردهای خودتوضیح برداری با وقههای گسترده برای درآمدهای مالیاتی

Sig	T-Ratio	Sts.Error	Coefficient	متغیرها
0.001	3/9832	0/10906	0/43442	LTAX(-1)
0.050	2/0634	0/44786	0/92412	LGDP
0.200	1/3174	0/40422	0/53251	LCPI
0.061	1/9636	0/36031	0/70750	LCPI(-1)
0.056	2/0063	0/15973	0/3247	LGLOBAL
0.102	-1/7023	0/07738	0/13173	LO
0.098	1/7223	0/067311	0/11593	LO(-1)
0.136	-1/5430	4/9451	-7/6305	(Constant)
0.027	-2/3615	0/052718	-0/12449	Trend
R-Squared		R-Bar-Squared		DW-Statistic
0.99701		0.99601		0.2506

مأخذ: نتایج تحقیق.

چنانچه نتیجه تحقیق نشان می‌هد مدل با عرض از مبدأ و متغیر روند بوده و تمام متغیرها معنادار می‌باشند. مقادیر

R^2 , \bar{R}^2 نزدیک به هم و مقدار دورین-واتسون (DW) مناسب است.

با توجه به نتایج حاصل از تخمین مشاهده می‌کنیم که شاخص قیمت مصرف کننده و درآمدهای نفتی با یکسان وقفه در سطح ۱۰ درصد معنادار بوده و با درآمدهای مالیاتی در ایران رابطه مثبت دارد و همچنین تولید ناخالص داخلی و شاخص جهانی شدن که رابطه مثبت با درآمدهای مالیاتی دارند. مدل مذکور را از نظر روابط بلندمدت متغیرها نیز مورد آزمون قرار می‌دهیم که نتایج آن در جدول (۳) آورده شده است. نتایج آزمون‌های تشخیصی که در جدول (۳) ارائه شده است نشانگر برآنش خوب مدل و عدم وجود الگوی منظم بین باقیمانده‌ها و در نتیجه عدم وجود خود همبستگی بین اجزای اخلاق می‌باشد.

جدول ۳. آزمون‌های تشخیصی معادله درآمدهای مالیاتی

آزمون	روش ضریب لاگرانژ	F
خود همبستگی	۰/۳۴۵	۰/۴۲۲
شكل تبعی	۰/۹۲۲	۰/۹۳۵
نرمال بودن باقیمانده‌ها	۰/۱۳۹	-
ناهمسانی واریانس	۰/۷۶۲	۰/۷۷۱

مأخذ: نتایج تحقیق.

جدول ۴. نتایج برآورده بلندمدت درآمدهای مالیاتی با استفاده از روش خودتوضیح با وقفه‌های گسترده

Sig	T-Ratio	Sts.Error	Coefficient	متغیرها
۰/۰۲۴	۲/۴۰۸۵	۰/۶۷۸۴۰	۱/۶۳۳۹	LGDP
۰/۰۰۳	۳/۳۱۰۲	۰/۶۶۲۴۴	۲/۱۹۲۵	LCPI
۰/۰۹۰	۱/۷۶۶۹	۰/۳۲۰۶۸	۰/۵۶۶۶۲	LGLOBAL
۰/۸۴۷	-۰/۱۹۵۰۰	۰/۱۴۳۲۳	-۰/۰۲۷۹۳	LO
۰/۰۹۷	-۱/۷۲۷۰	۷/۸۱۲۳	-۱۳/۴۹۱۵	(Constant)
۰/۰۴۹	-۲/۰۷۲۴	۰/۱۰۶۲۱	-۰/۲۲۰۱۲	Trend

مأخذ: نتایج تحقیق.

نتایج حاکی از وجود یک رابطه بلندمدت بوده و تمام متغیرها در سطح ۱۰ درصد معنادار می‌باشد. بجز درآمدهای نفتی که نوسانات زیاد قیمت نفت که همراه با پیوستی هایی در بازار می‌باشد یکی از دلایل آن می‌باشد. وجود همانباشتگی بین مجموعه‌ای از متغیرهای اقتصادی مبنای آماری استفاده از الگوهای تصویح خط افزایش می‌سازد. عمله‌ترین دلیل شهرت این الگوها آن است که نوسانات کوتاه‌مدت متغیرها را به مقادیر تعادلی بلندمدت ارتباط می‌دهد. این مدل در واقع نوعی از مدل‌های تبدیل جزوی است که در آنها با وارد کردن پسماند پایا از یک رابطه بلندمدت نیروهای مؤثر در کوتاه‌مدت و سرعت نزدیک شدن به مقدار تعادلی بلندمدت اندازه‌گیری می‌شوند. برآورد این مدل شامل دو مرحله است:

مرحله اول: این مرحله شامل برآورد یک رابطه بلندمدت و حصول اطمینان از کاذب نبودن آن است.

مرحله دوم: در این مرحله، وقفه پسماند رابطه بلندمدت را به عنوان ضریب تصویح خط استفاده کرده و رابطه (۸) برآورد می‌شود:

$$\Delta Y_t = a + b\Delta \Delta_t + cU_{t-1} + e_t \quad (8)$$

ضریب تصویح-خطا یعنی برآورد ضریب c در صورتی که با علامت منفی ظاهر شود- که انتظار می‌رود چنین باشد- نشانگر سرعت تصویح خط و میل به تعادل بلندمدت خواهد بود. این ضریب نشان می‌دهد در هر دوره چند درصد از عدم تعادل متغیر وابسته تبدیل شده و به سمت رابطه بلندمدت نزدیک می‌شود. حال وجود همانباشتگی بین مجموعه‌ای از متغیرها را بر مبنای آماری با استفاده از الگوی تصویح خط (ECM) مورد بررسی قرار می‌دهیم که نتایج تخمين نشان‌دهنده این واقعیت است که هرگونه انحراف در کوتاه‌مدت با احتمال ۵۶ درصد به مقدار تعادل اولیه در بلندمدت نزدیک می‌شود.

جدول ۵. برآورد ضرایب الگوی تصویح خط برای درآمدهای مالیاتی

Sig	T-Ratio	Sts.Error	Coefficient	متغیرها
.۰/۰۴۹	۲/۰۶۳۴	.۰/۴۴۷۸۶	.۰/۹۲۴۱۲	dLGDP
.۰/۱۹۹	۱/۳۱۷۴	.۰/۴۰۴۲۲	.۰/۵۳۲۵۱	dLCPI
.۰/۰۵۵	۲/۰۰۶۳	.۰/۱۵۹۷۳	.۰/۳۲۰۴۷	dGLOBAL
.۰/۱۰۱	-۱/۷۰۲۳	.۰/۰۷۷۳۸۲	-۰/۱۳۱۷۳	dLO
.۰/۱۳۵	-۱/۵۴۳۰	.۴/۹۴۵۱	-۷/۶۳۰۵	d(Constant)
.۰/۰۲۶	-۲/۳۶۱۵	.۰/۰۵۲۷۱۸	-۰/۱۲۴۴۹	dTrend
.۰/۰۰۰	-۵/۱۸۵۸	.۰/۱۰۹۰۶	-۰/۵۶۵۵۸	ecm (-1)

مأخذ: نتایج تحقیق.

در مورد سری‌های زمانی مورد مطالعه در الگوی فرار سرمایه که عبارتند از:

- : CF حجم فرار سرمایه
- : E نرخ ارز
- : R نرخ بهره
- : TU درآمدهای مالیاتی
- : IG امنیت سرمایه‌گذاری
- : K کسری بودجه دولت

آزمون ایستایی دیکی-فولر تعیین‌بافته (ADF) و فلیپس-پرون (PP) با نرم‌افزار Eviews انجام گرفت و جهت انتخاب وقهه بهینه از معیار شوارتز-بیزین استفاده شده است که نتایج آزمون در جدول (۶) نشان داده شده‌اند.

جدول ۶. نتایج آزمون ایستایی مربوط به متغیرهای الگوی فرار سرمایه

متغیرها	ADF سطح	PP سطح	ADF تفاضل اول	PP تفاضل اول	تفاضل اول PP
CF	-۰/۹۸۳۶۱۸ ^{ns}	-۰/۶۱۰۸۲۲ ^{ns}	-۵/۰۶۵۱۸۰ [*]	-۵/۳۱۷۷۲۵ [*]	-۵/۳۱۷۷۲۵ [*]
R	-۲/۲۳۳۱۸ ^{ns}	-۰/۴۹۶۵ ^{ns}	-۶/۸۳۴۵ [*]	-۷/۰۲۰۰۶ [*]	-۷/۰۲۰۰۶ [*]
IG	-۴/۳۰۹۳۰۴ [*]	-۴/۰۲۴۶۹ [*]	-	-	-
K	-۲/۳۵۶۲۵۸ ^{ns}	-۲/۴۸۱۹۲۸ ^{ns}	-۵/۹۲۸۲۶۹ [*]	-۵/۹۶۵۳۲۱ [*]	-۵/۹۶۵۳۲۱ [*]
E	۴/۱۴۸۳ ^{ns}	-۶/۶۸۰۹۰ ^{ns}	-۵/۴۷۷۷ [*]	-۴/۳۰۵۴ [*]	-۴/۳۰۵۴ [*]
TU	۵/۰۴۴۵ ^{ns}	۱۲/۹۴۹ ^{ns}	-۴/۹۷۳۴ [*]	-۴/۲۰۱۲ [*]	-۴/۲۰۱۲ [*]

NS: غیرمعنادار.

*: در سطح ۱ درصد معنادار.

مأخذ: نتایج تحقیق.

آزمون‌های ایستایی فوق در حالت با عرض از مبدأ و روند انجام گرفته‌اند. طبق آزمون‌های انجام شده کلیه متغیرها بجز (IG) در سطح خود ناایستا بوده و با یک تفاضل گیری ایستا می‌شوند. ایستایی تمام متغیرها در سطح یک درصد معنادار می‌باشد.

۶-۵. تخمین مدل ARDL برای الگوی فرار سرمایه

با توجه به اینکه تمام متغیرهای در سطح خود ایستا نبوده‌اند و تنها IG در سطح خود ایستا می‌باشد. بنابراین، در تخمین الگوی فرار سرمایه نمی‌توانیم از مدل حداقل مریعت معمولی (OLS) استفاده کنیم. بنابراین، از مدل ARDL و معیار شوارتز-بیزین

برای تخمین الگو استفاده خواهیم کرد. برای این منظور از نرم افزار Microfit استفاده نموده و تخمین موردنظر را انجام می دهیم که نتایج در جدول (۷) مشاهده می شود.

جدول ۷. نتایج برآورد مدل خودتوضیح باوقده های گسترده برای فرار سرمایه

Sig	T-Ratio	Sts.Error	Coefficient	متغیرها
.۰۰۰۱	۲/۶۰۳۷	.۰/۱۵۸۸۵	.۰/۵۷۲۴۵	حجم فرار سرمایه (I)
.۰۰۰۸	-۲/۸۲۷	۵۹۲۱/۹	-۱۶۷۴۰/۵	امنیت سرمایه گذاری (IG)
.۰۰۰	-۴/۳۷۶۵	۴/۳۸۳۱	-۱۹/۱۸۲۵	نرخ ارز (E)
.۰۱۶۳	۱/۴۲۶۶	۲۳۰۰/۲	۳۲۸۱/۵	نرخ بهره (R)
.۰۰۳۳	-۲/۲۲۴۱	۲۳۱۰/۲	-۵۱۳۸/۲	نرخ بهره با یکسال وقفه (-1) (R(-1))
.۰۱۱۴	-۱/۶۲۲۹	.۰/۳۳۰۵۱	-۰/۵۳۶۴	کسری بودجه دولت (K)
.۰۰۲۷	۲/۳۱۵۴	.۰/۳۴۵۱	.۰/۷۹۹۲	کسری بودجه دولت با یکسال وقفه (-1) (K(-1))
.۰۰۰۰	۵/۶۱۹۳	.۰/۸۵۰۲	۴/۷۷۷	درآمدهای مالیاتی (TU)
.۰۰۷۲	۱/۸۵۸	۱۱۷۶	۳۱۰۸/۹	(Constant)
.۰۰۲۲	۲/۴۰۳	۴۶۵/۸	۱۱۱۹/۸	Trend
R-Squared		R-Bar-Squared		DW-Statistic
.۰/۹۸۴۸۶		.۰/۹۸۰۶۰		۲/۲۵۲۶

مأخذ: نتایج تحقیق.

همچنانکه نتیجه تحقیق نشان می دهد مدل با عرض از مبدأ و متغیر روند می باشد و تمام متغیرها در سطح ۵ درصد معنادار می باشند. مقادیر R^2 , \bar{R}^2 نزدیک به هم و مقدار دوربین-واتسون (DW) مناسب است. با توجه به نتایج حاصل از تخمین مشاهده می کیم که نرخ بهره با یکسال وقفه در سطح ۵ درصد معنادار بوده و با فرار سرمایه در ایران رابطه منفی دارد و همچنین نرخ ارز و امنیت سرمایه گذاری که رابطه منفی با فرار سرمایه دارد و ضریب بدست آمده امنیت سرمایه گذاری نشان از تأثیر بسیار بالای آن در تشديد یا کاهش گریز سرمایه دارد. کسری بودجه نیز با یک سال وقفه و همچنین درآمدهای مالیاتی رابطه مثبت با فرار سرمایه می باشد. مدل مذکور را از نظر روابط بلندمدت متغیرها نیز مورد آزمون قرار می دهیم که نتایج آن در جدول (۸) آورده شده است.

جدول ۸. نتایج برآورد بلندمدت فرار سرمایه با استفاده از روش خودتوضیح با وقفه‌های گسترده

Sig	T-Ratio	Sts.Error	Coefficient	متغیرها
.۰۱۵	-۲/۵۶۱۱	۱۵۲۸	-۳۹۱۵	امنیت سرمایه‌گذاری IG
.۰۰۰	-۴/۵۲۴	۹/۹۱۷۲	-۴۴/۸۶	نرخ ارز E
.۰۳۲۸	-۰/۹۹۲۶	۴۲۷	-۴۳۴	نرخ بهره R
.۰۰۲۸۴	۱/۰۹۰	۰/۵۶۳۹	۰/۶۱۴۶	کسری بودجه دولت K
.۰۰۰	۴/۷۵۱	۲/۳۵۱	۱۱/۱۷۴	درآمدهای مالیاتی TU
.۰۰۹۵	۱/۷۲۱۲	۳۹۱۸۳/۶	۶۷۴۴۳/۵	(Constant)
.۰۰۱۹	۲/۴۶۷۷	۱۰۶۱/۴	۲۶۱۹/۱	Trend

مأخذ: نتایج تحقیق.

نتایج حاکی از وجود یک رابطه بلندمدت بوده و کلیه متغیرها در سطح ۵ درصد معنادار می‌باشند. بجز نرخ بهره که علت رامی توان در نوسانات کم داشت که برخلاف برخی از کشورها این نرخ در نظام بازار تعیین نمی‌شود و تقریباً ثابت است. حال وجود همان باشگی بین مجموعه‌ای از متغیرها را بر مبنای آماری با استفاده از الگوی تصحیح خطای (ECM) موردن بررسی قرار می‌دهیم که نتایج تخمین نشان‌دهنده این واقعیت است که هر گونه انحراف در کوتاه مدت با احتمال ۴۰ درصد به مقدار تعادل اولیه در بلندمدت نزدیک می‌شود.

جدول ۹. برآورد ضرایب الگوی تصحیح خطای برای فرار سرمایه

Sig	T-Ratio	Sts.Error	Coefficient	متغیرها
.۰۰۰۸	-۲/۸۲۷	۵۹۲۱	-۱۶۷۴/۵	dIG
.۰۰۰	-۴/۳۷۶	۴/۳۸۳	-۱۹/۱۸	dE
.۰۱۶۳	۱/۴۲۶	۲۳۰	۳۲۸	dR
.۰۱۱۴	-۱/۶۲۲	۰/۳۳۰۵	-۰/۵۳۶۴	dK
.۰۰۰	۵/۶۱۹	۰/۸۵۰۲	۴/۷۷۷	dTU
.۰۰۷۲	۱/۸۵۸	۱۵۵۱۴	۲۸۸۳۵	d(Constant)
.۰۰۲۲	۲/۴۰۳۶	۴۶۵/۸	۱۱۱۱۹/۸	dTrend
.۰۰۱۱	-۲/۶۹۱۵	۰/۱۵۸۸	-۰/۴۲۷۵	ecm (-1)

مأخذ: نتایج تحقیق.

۶-۶. آزمون جوهانسن-جوسیلیوس برای مدل فرار سرمایه

باید توجه داشت که سه محدودیت مهم در استفاده از روش حداقل مرباعات معمولی برای تخمین رابطه تعادلی بلندمدت وجود دارد. این محدودیتها از تخمین‌ها، کارایی مجانبی ندارند، آزمون فرضیه را بصورت مستقیم نمی‌توان روی ضرایب انجام داد، اگر بیش از یک بردار تعادلی وجود داشته باشد روش OLS تخمین‌های سازگاری از هیچ یک از بردارهای همانباشت ارائه نمی‌کند. جوهانسن و جوسیلیوس با ارائه روشی محدودیتهای ارائه شده را بر طرف کردند یعنی برآوردهای حاصل از این روش کارایی مجانبی دارند می‌توان روی پارامترهای بلندمدت مدل آزمون فرضیه انجام داد و تعداد روابط بلندمدت را آزمون، شناسایی و برآوردهای سازگاری از پارامترهای آن بدست آورد. بنابراین، هدف در این بخش شناسایی تعداد روابط بلندمدت از روش جوهانسن-جوسیلیوس می‌باشد و در ابتدا وقفه بهینه مدل فرار سرمایه با استفاده از معیار اطلاعاتی شوارتز-بیزین انتخاب می‌شود. در جدول ذیل بر طبق این معیار وقفه بهینه یک می‌باشد. استفاده از این معیار به دلیل به صرفه بودن آن است که کمترین وقفه را انتخاب می‌کند.

جدول ۱۰. انتخاب وقفه بهینه در آزمون جوهانسن جوسیلیوس برای فرار سرمایه

SBC	AIC	LL	order
-۱۵۶۰/۱	-۱۴۹۸/۴	-۱۴۲۶/۴	۲
-۱۵۶۶/۵	-۱۵۳۵/۷	-۱۴۹۹/۷	۱
۱۷۸۰/۱	-۱۷۸۰/۱	-۱۷۸۰/۱	.

مأخذ: نتایج تحقیق.

سپس با آزمون جوهانسن جوسیلیوس تعداد بردارهای همگرایی تعیین شده و بردارهای همگرایی تخمین زده می‌شود.

جدول ۱۱. تعیین تعداد بردارهای همجمعی در مدل فرار سرمایه

نوع آزمون	H_0	H_1	تعداد بردارهای همجمعی	مدل فرار سرمایه	آماره	مقدار بحرانی
λ_{\max}	$r=0$	$r=1$			۸۴/۱۰۱	۴۳/۶۱
	$r<=1$	$r=2$			۶۱/۹۱۳	۳۷/۸۶
	$r<=2$	$r=3$			۱۹/۰۱۱	۳۱/۷۹
	$r<=3$	$r=4$			۱۳/۹۶۱	۲۵/۴۲
	$r<=4$	$r=5$			۱۰/۳۲۸	۱۹/۲۲
	$r<=5$	$r=6$			۵/۲۴۶	۱۲/۳۹
λ_{trace}	$r=0$	$r>=1$			۱۹۴/۵۶	۱۱۵/۸۵
	$r<=1$	$r>=2$			۱۱۰/۴۶	۸۷/۱۷
	$r<=2$	$r>=3$			۴۸/۵۴	۶۳/۰۰
	$r<=3$	$r>=4$			۲۹/۵۳	۴۲/۳۴
	$r<=4$	$r>=5$			۱۵/۵۷	۲۵/۷۷
	$r<=5$	$r>=6$			۵/۲۴۶	۱۲/۳۹
مقادیر ویژه	۰/۸۶۴۹۹	۰/۷۷۱۰۲			۰/۳۶۴۰۶	۰/۲۸۲۸۲
	۰/۲۱۸۰۲	۰/۱۱۷۴۲			۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

مأخذ: نتایج تحقیق.

با آزمون اثر دو بردار و با آزمون حداقل ریشه مشخصه نیز دو بردار همجمعی بین متغیرهای مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد مشخص می‌شود و در سطح ۹۰ درصد نیز طبق هر دو آزمون دو بردار همجمعی وجود دارد که تخمین این بردارها به شرح زیر است:

جدول ۱۲. تخمین بردارهای همجمعی برای مدل فرار سرمایه

متغیرها	بردار اول		بردار دوم		بردار همجمعی نرمالیزه شده	بردار همجمعی نرمالیزه شده
	بردار همجمعی نرمالیزه شده	بردار همجمعی نرمالیزه شده	بردار همجمعی نرمالیزه شده	بردار همجمعی نرمالیزه شده		
CF	-۱	-۰/۷۷۵۰	-۱	-۰/۳۷۶۵	-۰/۷۷۵۰	-۱
IG	-۳۶۲۷۴	-۲/۸۱۱	-۱۸۹۳۵	-۰/۷۱۲۹	-۲/۸۱۱	-۳۶۲۷۴
R	-۳۷۱۰	-۰/۰۲۸۷	-۳۰۱۸	-۰/۰۱۱۳	-۰/۰۲۸۷	-۳۷۱۰
E	-۳۸/۳۸	-۰/۲۹۷۵	-۲۲/۶۰۳	-۰/۸۵۱۱	-۰/۲۹۷۵	-۳۸/۳۸
TU	۹/۰۷۴	۰/۷۰۳۳	۳/۸۵۰۴	-۰/۱۴۵۰	۰/۷۰۳۳	۹/۰۷۴
K	۰/۵۶۰۱	۰/۴۳۴۱	۰/۳۹۸۰	-۰/۱۴۹۹	۰/۴۳۴۱	۰/۵۶۰۱
TREND	۱۹۸۳/۲	۰/۰۱۵۳	۱۶۵۵/۶	-۰/۰۰۶۲	۰/۰۱۵۳	۱۹۸۳/۲

مأخذ: نتایج تحقیق.

هر دو بردار دارای تفسیر اقتصادی مطابق تئوری هستند، یعنی فرار سرمایه با امنیت سرمایه‌گذاری، نرخ بهره و نرخ ارز رابطه منفی و با متغیرهای کسری بودجه دولت و درآمدهای مالیاتی رابطه مستقیم دارند که این همان نتیجه‌های است که از تخمین مدل ARDL نیز حاصل شد. در مرحله بعد می‌توان مدل تصحیح خطای نیز برای حجم فرار سرمایه و امنیت سرمایه‌گذاری بدست آورد.

جدول ۱۳. برآورد ضرایب الگوی تصحیح خطای برای حجم فرار سرمایه

prob	T-Ratio	Sts.Error	Coefficient	Regressor
۰/۱۵۲	۱/۴۶۲۷	۸۹۲۱	۱۳۰۴۸	Intercept
۰/۰۰۰	۱۱/۸۸۲	۱۴۶۶۶	۱۷۴۲۸	Ecm1(-1)
۰/۰۰۰	۴/۸۰۲۸	۱۴۶۶۶	۷۰۴۴۰	Ecm2(-1)

مأخذ: نتایج تحقیق.

جدول ۱۴. برآورد ضرایب الگوی تصحیح خطای برای امنیت سرمایه‌گذاری

prob	T-Ratio	Sts.Error	Coefficient	Regressor
۰/۰۱۹	۲/۴۵۷۱	۰/۰۲۵۸	۰/۰۶۳۶	Intercept
۰/۲۵۲	-۱/۱۶۳۱	۰/۰۴۲۵	-۰/۰۴۹۴	Ecm1(-1)
۰/۰۲۵	۲/۲۳۷۱	۰/۰۴۲۵	۰/۰۹۹۴	Ecm2(-1)

مأخذ: نتایج تحقیق.

همانطور که مشخص است جمله تصحیح خطای مرتبط با هر دو بردار دارای اثر معناداری بر فرار سرمایه بوده و در خصوص امنیت سرمایه‌گذاری نیز بردار دوم دارای اثر معنادار بر آن می‌باشد.

۷. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

به استناد نتایج حاصل از تخمین‌های انجام شده مشاهده می‌شود که تمام متغیرهای موجود در مدل درآمدهای مالیاتی (شاخص قیمت مصرف کننده، شاخص جهانی شدن، درآمدهای نفتی، تولید ناخالص داخلی) ضمن معنادار بودن بصورت مستقیم بر متغیر وابسته (درآمدهای مالیاتی) تأثیرگذار می‌باشند. درآمدهای نفتی و نوسانات قیمت نفت در کنار وابستگی بالای درآمدهای مالیاتی به درآمد نفت نشانگر وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی و عملکرد نامطلوب نظام مالیاتی است. همچنین، شاخص جهانی شدن در ایران و نیز شکاف قابل ملاحظه‌ای که بین مقدار شاخص آزادی اقتصادی برای ایران در مقایسه با متوسط شاخص کشورهای تازه ملحق شده به WTO نشان می‌دهد که عدم همگرایی ایران در نظام چندجانبه تجاری که باعث تشدید شکاف بین سیاست‌های اقتصادی و ساختار و

کیفیت نهادی کشور شده است باعث پایین تر بودن میانگین جهانی این شاخص بوده و علیرغم تأثیر مثبت آن روی درآمدهای مالیاتی کار چندان چشمگیری صورت نگرفته است.

در این تحقیق با توجه به روش‌های متعددی که برای برآورد حجم فرار سرمایه وجود دارد که البته هیچ یک از روش‌های موجود قطعی نیستند و با در نظر گرفتن محدودیت‌های فراوان در جمع آوری آمار و ارقام این مهم را انجام داده و همانطور که در بخش قبلی نیز مشاهده کردیم نتایجی بدست آمد. در فرار سرمایه دیدیم که تمام متغیرهای موجود در الگو معنادار و متغیرهای امنیت سرمایه‌گذاری، نرخ بهره و نرخ ارز با فرار سرمایه رابطه منفی را نشان دادند، یعنی وقتی میزان امنیت سرمایه‌گذاری کاهش یافته و بستر جامعه نامن و بی ثبات تر شود، بطور قطع حجم فرار سرمایه افزایش خواهد یافت. در مورد نرخ بهره مشخص است با وجود اینکه نرخ‌ها در ایران چندان متغیر نیستند، اما بر اساس تئوری نیز نرخ کمرباعث می‌شود صاحبان سرمایه، سرمایه خود را به کشوری که سود بالاتری دارد منتقل کنند. درخصوص نرخ ارز باید گفت که مثلاً افزایش آن باعث کاهش ارزش پول ملی شده و متعاقب آن صادرات افزایش واردات کاهش می‌یابد، بنابراین تولید ناخالص داخلی رشد خواهد داشت که سرمایه‌گذاران را به سرمایه‌گذاری‌های داخلی ترغیب کرده و حجم فرار سرمایه را کاهش می‌دهد و بالعکس.

همچنین نتایج گویای این است که درآمدهای مالیاتی و هچنین کسری بودجه دولت با یکسان و قله رابطه مستقیمی با فرار سرمایه دارد. توضیح اینکه دولت کسری موجود را یا افزایش حجم پول و انتشار اسکناس جبران می‌کند و یا با مالیات‌های بالا و یا تغییر در تعريفهای گمرکی و یا به طرق دیگر که هریک می‌تواند مانع بر سر راه سرمایه‌گذاران و صاحبان سرمایه باشد، لذا آنان ترجیح می‌دهند که دارایی‌های خود را به خارج انتقال داده و سرمایه‌گذاری نمایند تا علاوه بر استفاده از معافیت‌های مالیاتی از ضرر بالقوه سرمایه نیز جلوگیری به عمل آورند.

با توجه به افزایش سریع حجم تجارت جهانی و پایین بودن درجه آزادی اقتصاد ایران نسبت به شاخص‌های جهانی از نتایج حاصله چنین بر می‌آید که باز بودن اقتصاد از این منظر که موجب افزایش داشت و تکنولوژی و پیشرفت صنایع گردیده و عامل تحرک بخش صنعت و تولید و رقابتی کردن بازار شده است سهم GDP را افزایش و به نسبت توانسته بر درآمدهای مالیاتی نیز اثر مثبت خود را نمایان سازد، اما وجود مشکلات عدیده سیاسی- اقتصادی کشور و ضعف در پاسخگویی به انگیزه‌های مالیاتی سرمایه‌گذاران باعث شده همچنان جریان سرمایه به خارج از کشور ادامه داشته و آثار مثبت جهانی شدن را تا حدودی کمزنگ‌تر نماید.

- با مدنظر قرار دادن مطالب و نتایج مطرح شده در این تحقیق راهکارها و پیشنهاداتی در راستای بهبود وضعیت موجود به قرار زیر عنوان می‌شود:
- اعطاء اعتبارات و معافیت‌های مالیاتی به سرمایه‌گذاران: با دادن اعتبارات و امتیازات خاص و یا معافیت‌های مالیاتی نیز می‌توان افراد و صاحبان سرمایه را در جهت ایجاد منابع تولید و سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی صنعتی سوق داد و تشویق نمود.
 - اصلاح سیاست‌ها و نهادهای مالیاتی کشور با هدف ارتقاء شاخص آزادی تجارت
 - اصلاح سیاست‌ها و نهادهای مالیاتی کشور با هدف ارتقاء کارامدی سیاست‌های مالیاتی از طریق اصلاح نرخ مالیات بر درآمد اشخاص به ویژه افزایش سنواتی سقف معافیت مالیاتی
 - آزادسازی و مقررات‌زدایی مؤثر و همه‌جانبه در اقتصاد ایران برای نیل به محیط سالم و رقابتی همراه با محدود شدن تصدی اقتصادی دولت می‌بایست مدنظر قرار گیرد، چراکه جهانی شدن حرکت به سمت بازار واگناری تصدی گری‌های دولتی به بخش‌های خصوصی و باز شدن پیشتر بخش خصوصی است.
 - دولت از یک سو با وابستگی زیاد به درآمد نفت، ناکارایی نظام اداری مالیاتی روپرداخت و از سوی دیگر، با فشارهای اقتصاد جهانی و تحولات سریع تکنولوژیکی همراه است. مقابله با این وضعیت نیازمند اقدامات لازم است، زیرا جهانی شدن به خودی خود با کاهش نقش دولت همراه است.
 - هماهنگ نمودن مالیات‌های داخلی با مالیات‌های خارجی در نظام مالی: نظام مالیاتی در بازار مالیه داخلی می‌بایست به گونه‌ای طراحی گردد که موجب فرار سرمایه‌ها به خارج نگردد. تجارت کشورهایی که حساب سرمایه را آزادسازی نموده‌اند به یک نیاز شدید جهت هماهنگ نمودن مالیات‌ها در نظام مالیه داخلی با مالیات‌هایی که در نظام مالیه خارجی در جریان هستند دلالت دارد، بنابراین می‌بایست چنین هماهنگی‌هایی پیش از آنکه تمام کنترل‌های سرمایه‌ای حذف شوند صورت پذیرد.
 - ایجاد محیط اقتصادی مطمئن و با ثبات: به وضوح فراهم نمودن یک منبع تأمین مالی اقتصادی با ثبات هر چند بطور قابل توجهی در جلوگیری از فرار سرمایه مؤثر می‌باشد، اما راهی طولانی جهت کاهش عدم اطمینان نسبت به محیط داخلی و جلوگیری از فرار سرمایه است. به نظر می‌رسد این راه حل مهم ترین عامل جهت کنترل فرار سرمایه حداقل در ایران باشد، چراکه دلیل اصلی فرار سرمایه در ایران دقیقاً با اوضاع و احوال سیاسی و محیط نامطمئن اقتصادی رابطه تکانگی داشته است و این مسئله خود به منبع تأمین مالی اقتصادی وابستگی دارد.
 - اتخاذ سیاست‌های معابر و درست کلان اقتصادی: تجارب مفروض‌ترین کشورها نشان می‌دهد فرار سرمایه بیشتر در کشورهایی بطور رسمی اظهار شده که دارای بی‌ثباتی اقتصاد داخلی، کسری مالی بزرگ و بطور کلی پول‌های بیشتر از حد ارزش گذاری شده را دارا بوده‌اند. تفاوت سیاست‌های معابر و صحیح کلان اقتصادی همراه با نرخ ارز

مقتضی و نرخ‌های بهره مناسب، عنصر و عامل کلیدی کاهش بی‌ثباتی اقتصادی و محو کسری‌های بودجه هستند. به نظر می‌رسد که چنین سیاست‌هایی می‌توانند از جریان خروج سرمایه جلوگیری می‌نمایند.

- توع در دارایی‌های مالی داخلی: ایجاد توع در دارایی‌های مالی طیف وسیعی از انواع این دارایی‌ها را در اختیار سرمایه‌گذاران داخلی قرار می‌دهد و بدین ترتیب با فراهم نمودن امکان افزایش بازدهی سرمایه‌گذاری پرتفلیو می‌تواند منجر به کنترل جریان فرار سرمایه شود. لازم به ذکر است که گسترش ابزارهای مالی برای ساکنین داخلی ریسک سرمایه‌گذاران در داخل و احیاناً تأثیر عوامل و محرك‌های خارجی فرار سرمایه را کاهش داده و بدین وسیله در کنترل فرار سرمایه مؤثر می‌باشد.
- تضمین سرمایه‌گذاران در مقابل خطر سلب مالکیت: در واقع به نحوی کمک به افزایش امنیت سرمایه‌گذاری خواهد کرد. بدین صورت که سرمایه‌گذاران در مقابل خطر سلب مالکیت از سوی دولت تضمین بگیرند. اینکه آیا سرمایه‌گذاران داخلی باور می‌کنند که آنها در مقابل خطر سلب مالکیت تضمین خواهند بود یا خیر؟ پرسش قابل بحثی است. البته جهت اطمینان از اینکه سرمایه‌گذاری داخلی احساس و باور نمایند که آنها در مقابل خطر ملی شدن، حمایت و جبران می‌شوند تغییرات قانونی و ساختاری در نظام اقتصادی و بعض‌اً سیاسی ضروری می‌باشد.

منابع

- ادشنی، علی (۱۳۷۷)، اثر سرمایه‌گذاری بر رشد اقتصادی به تئکیک سرمایه‌گذاری خصوصی و دولتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی.
- استیگلیتز، جوزف (۱۳۸۵)، جهانی شدن و پیامدهای ناگوار آن، ترجمه محمد رضا باوفا، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- برانسون، ویلیام (۱۳۸۲)، نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصاد کلان، ترجمه عباس شاکری، تهران: نشر نی.
- پژویان، جمشید (۱۳۸۴)، اقتصاد بخش عمومی (مالیات‌ها)، نور علم.
- تشکینی، احمد (۱۳۸۴)، اقتصاد سنجی کاربردی به کمک Microfit، دیباگران تهران.
- نقی سلطانی، مهدی (۱۳۸۹)، نقش امنیت سرمایه‌گذاری در تشکیل و فرار سرمایه در ایران، کتاب مقالات برگزیده همایش ملی امنیت سرمایه‌گذاری.
- جعفری‌صفیی، احمد و کرم سینا (۱۳۸۴)، جهانی شدن، شاخص‌ها و جایگاه اقتصاد ایران، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- رئیس‌دانا، فریبرز (۱۳۸۱)، اقتصاد سیاسی توسعه، نشر نگاه.
- رحیمی بروجورדי، علیرضا (۱۳۷۳)، سیاست‌های اقتصاد کلان و اصلاحات ساختاری، تهران.

- زاوی، آبی و سعیده شفیعی (۱۳۸۸)، "بررسی تأثیر بحران مالی جهانی بر درآمدهای مالیاتی کشور"، *فصلنامه پژوهشنامه مالیات*، سال ۱۷، شماره ۴، بهار، ص ۱۳۳.
- سازمان امور اقتصادی و دارایی استان مرکزی (۱۳۸۶)، "سرمایه‌گذاری خارجی و تبیین جایگاه آن در اقتصاد کشور"، *معاونت اقتصادی سازمان اقتصادی و دارایی استان مرکزی*، سال ۱۳۸۶، نشریه ایام اقتصاد ایران، ۱۳۸۰.
- شان-پ هاد گوپور هیپ (۱۳۷۹)، *مالیه عمومی*، ترجمه مهدی تقی، تهران: نشر قومس، ص ۲.
- شیری‌زاده، علی‌اکبر (۱۳۷۵)، *گستره مالی و ساختار بودجه ای ایران: الگوی منابع و مصارف*، نشر نی.
- طیبیان، محمد (۱۳۷۸)، *اقتصاد ایران*، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- فلاح‌شمس، میرفیض (۱۳۸۹)، "تحلیلی بر چالش‌های جهانی شدن بازار سرمایه در ایران"، *ماهنه‌گریله ملی‌ریت*، شماره ۱۱۰، مهر، ص ۹۰.
- قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۸۵)، *اقتصاد توسعه*، تهران: نشر نی.
- گجراتی، دامودار (۱۳۸۳)، *مبانی اقتصاد سنجی*، ترجمه حمید ابریشمی، دانشگاه تهران.
- نیاکوفی، امیر (۱۳۸۶)، *جهانی شدن و توسعه با نگاهی به ایران (گذاری بر جهانی شدن و اقتصاد سیاسی ایران)*، تهران: مؤسسه انتشارات کتاب دانشجو.
- نیلی، مسعود (۱۳۸۳)، *اقتصاد ایران و معماه توسعه‌نیافتگی*، تهران.
- وطن‌خواه، مصطفی (۱۳۸۰)، *موقع تاریخی توسعه‌نیافتگی در ایران*.
- هاشمی دیزج، عبدالوحیم (۱۳۸۶)، *سیاست‌های پولی و مالی*، جهاد دانشگاهی.
- Agosin, M.R.** (2005), "Capital Flows and Macroeconomic Policy in Emerging Economics", Inter American Development Bank and Department of Economics. University of Chile.
- Amit, K. B.** (2002), "Preferential Trade, Mis-Invoking and Capital Flight", University of Kalyani.
- Anid, D., Hakki, C. E. & U. Fatma Gil** (2004), "The Determinates of Capital Flight in Turkey (1971-2000)".
- Anderson, K.** (2001), "Globalization, WTO and ASEAN".
- Benu, S.**(2001),"Measuring Capital Flight:EstimatesandInterpretations",Overseas Development Institute.
- Chandr, K.** (1996), "Foreign Direct Investment & Capital Flight", Prince University, Newjersy.
- Frankel, D. & D. Romer** (1999), "Does Trade Cause Growth?", *American Economic Review*, Vol. 89, No. 3, PP. 379-399.
- Greene, W. H.** (2000), *Econometric Analysis*, Prentice-Hall.
- Gujarati, D. N.** (2003), *Basic Econometrics*, Mc Grow-Hill.
- Harvay, S. Rosen** (2005), "Supply- Side VS. Demand- Side Tax Cuts and U. S. Economic Growth (1951-2004)", *A Journal of Politics & Society*.
- Ivan, Szegvari & Willem H. Buiter** (2002), "Capital Flight and Capital Outflows from Russia: Symptom, Cause and Cure", European Bank.
- Owolabi, M. Bakre** (2004), "Tax Avoidance, Capital Flight and Poverty in Nigeria", Department of Management Studies, University of the West Indies.
- Seersj, M. & F. Kade** (2004), "Capital Flight from South Africa (1980-2000).
- Spencer, D.** (2005), "The Cost of Capital Flight", New York Attorney.

